

● تشییع میلیونی، از انکار تا حیرت، زنده باد مقاومت مدنی

مجتبی نجفی

به من گفتند آیا از جمعیت میلیونی در مراسم تشییع علی خامنه‌ای متعجبی؟ گفتم هرگز. چرا که هیچگاه پایگاه اقلیت حکومت را انکار نکرده‌ام که اکنون متعجب باشم. همیشه در تحلیل ام از ایران، "استبداد اقلیت بر اکثریت" محوری بوده. جمهوری اسلامی در طول چند دهه گذشته یک شیفت اساسی داشته، از "استبداد اکثریت بر اقلیت" اول انقلاب، به "استبداد اقلیت بر اکثریت" امروز رسیده. اگر کسی گمان کند معنای دموکراسی صرفاً نظر اکثریت است به توجیه حکومت‌های پوپولیستی، تضییع کننده حقوق اقلیت خواهد افتاد و اگر حکومتی به گونه‌ای صندوق‌های رای را تنظیم کند که اقلیت، برنده برگه رای باشد، یا هیچگاه از قدرت حذف نشود، نام این حکومت هرگز "جمهوری" نیست حتی اگر مدام، مردم مردم کند.

در نتیجه من هیچگاه منکر پایگاه اقلیت حکومت که بر اساس حامی پروری، آمیزه‌ای از گزاره‌های ایدئولوژیک، منفعت‌های اقتصادی و رانت‌های ویژه شکل گرفته نبوده‌ام و هر تحلیلی باید واقعیت‌های میدان سیاست ایران را در نظر بگیرد؛ اینجا همان مرزبندی من با اپوزیسیونی است که به جای "شناخت"، "انکار" می‌کند. چشم بستن بر حمایت اقلیتی از مردم به دلایل متفاوت از نظام سیاسی مستقر به همان اندازه چشم پوشی حکومت بر یک اکثریت متنوع ناراضی از سیستم فعلی، خطای مهلک است و جالب اینجاست حکومت و اپوزیسیون انکار کننده، در این خطای مهلک سهیم اند. هر دو می‌خواهند تنوع مردم را انکار و نمایندگی کل ملت را به نام خود بزنند ولی اگر این کلمات و نگاه نویسنده، نماینده میلیونها ایرانی باشد، من نه با حکومت استبدادی فعلی نسبتی دارم نه با اپوزیسیون هپروتی فرصت سوز صنمی، چرا که تجربه بیش از دو دهه به من آموخته با شیوه‌های چکشی که بعضاً باب میل نظام حاکم است، راه به جایی نخواهیم برد و هر گونه "تخیل" سیاسی باید مبتنی بر شناخت دقیق از مختصات میدان سیاست باشد. تخیل کردن به معنی وهم اندیشی نیست. تخیل انگیزاننده و نشان دهنده افق سیاسی است و راهبرد بر مبنای بررسی واقعیت‌های میدانی شکل می‌گیرد.

اولین قدم برای پیروزی این است با اپوزیسیون وهم اندیش مرزبندی کنیم. رهایی ما از نظم استبدادی نه در اتکا به بمب است، نه انکار اقلیت میلیونی حامی نظام است نه دست کم گرفتن قدرت مدنی ایرانیان معترض است. "مقاومت مدنی" کلمه‌ای برای نمایش نیست، یک راهبرد چندلایه و عمیق است. به تداوم به روز شدن، صبر و خلاقیت نیاز دارد. گاهی پیشروی، گاهی صبر و عقب نشینی تاکتیکی، نفوذ در عمق لایه‌های اجتماع، بعضاً نمایش همبستگی، ایجاد پیوند های کوچک و بزرگ بین ناراضیان، تاکید بر نفی خشونت و در عین حال ارزش دادن به مقاومت و امتداد، استفاده از شکاف‌های درون نظام و مهم تر از همه تداوم با قدرت "کلمه و کنش" برای بسط حوزه های عمومی چه در فضای فیزیکی چه دیجیتالی، نیاز دارد.

نه جنگ نه تحریم به نفع "مقاومت مدنی" نیست. ما در جامعه فقیر شده و جنگ زده توان رشدان سلب می‌شود و میدان برای اقلیت استبدادی فراخ می‌شود. آنها سالها مظهر حضور ناراضیان در خیابان بودند، فضاها را از دست می‌دادند. "جنگ" چون نعمتی بزرگ برای آنها بود. اعتماد به نفس شان را بازیابی کردند؛ خیابانها را به بهانه فضای امنیتی تسخیر کردند. تمام محاسبات اپوزیسیون وهم اندیش درباره جنگ اشتباه از آب درآمد. همه صحبت‌های آنها در اینترنشنال موجود است و انکار حرف‌های دیروز نه از روی بازاندیشی که از سر ریاکاری است. در میدان جنگ و خشونت اسلحه داران پیروزند نه صاحبان کلمه. اما در راهبرد "مقاومت مدنی" ما نقطه پایان نداریم. نه باید به پیروزی نسبی که در جنبش زن، زندگی، آزادی کسب شد، غره شد، نه از حضورهای سازماندهی شده میلیونی حامیان حکومت سرخورده و نباید این حضور را انکار کرد. از طرفی راهبرد مقاومت مدنی در بستر زندگی ابتکارات خود را نشان می‌دهد نه در سرزمین سوخته.

قائلان به گفتمان مقاومت مدنی به دیکتاتور و دیکتاتوری ابراز ارادت نخواهند کرد، از خشونت و جنگ استقبال نمی‌کنند، به جای تفنگ، بر قدرت "کلمه"، به جای خستگی و یاس، به امتداد و صبر تکیه می‌کنند. نام و یاد همه آنانکه در خیابانها در اعتراض به دیکتاتوری جان دادند نه برای بازی با اعداد که برای امتداد گفتمان زندگی پاس داشته خواهند شد. "گارد جاویدان" قائلان به گفتمان مقاومت مدنی، نه آن صدوپنجاه هزار نیروی خیالی، که زنان و مردانی اند که به خوبی یاد گرفته اند هم به استبداد "نه" بگویند و هم در موقع مناسب دیکتاتور را شگفت زده، آچمز، هراسان کنند، و هم کلیت خانه‌ای به نام ایران را حفظ کنند.

منبع: [کاتال تلگرام نگارنده](#)

@Kaleme